

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضری که بحثی که داشتیم یک بحث کبروی بود (حجیت اصل ظهور)؛ عرض شد که ظواهر حجت است، فقط دو استثناء در مساله وجود داشت.

1: میرزای قمی: ظهور در حق غیر مقصودین به افهام حجت نیست.

2: اخباری ها: ظواهر قرآن حجت نیست یا حتی گفته بودند قرآن اصلاً ظهور ندارد. ما به هر دو گزینه پاسخ دادیم.

ما اصلی به نام عدم حجیت ظنون داشتیم که از این اصل، مواردی خارج شده است که به آن موارد، اصطلاحاً ظنون خاصه گویند و در برخی موارد به اینها ظنون علمی گویند (که پشتوانه علم دارد اما خودش علم آور نیست). ببینید بررسی ظنون خاصه برای یک گروه لازم نیست و آن گروه انسدادی ها هستند. انسدادی ها گویند در عصر غیبت همه ظنون حجت است جزء ظنونی که به طور خاص رد شده اند مثل قیاس... .

نکته: البته انسدادی ها هم. به خاطر اینکه نظر مقابل را مورد بحث قرار دهند یا حد ظنون خاصه را بدانند و یا ببینند ظنون خاصه بر ظنون مطلق مقدم است. در مورد ظنون خاصه بحث کرده اند.

مبنای اکثر علمای امامیه انفتاح است و می گویند باب علم و علمی به روی ما باز است؛ بر مبنای انفتاح این بحث (ظنون خاصه) اهمیت فراوانی دارد و لذا مرحوم آخوند4 ظن خاص را مورد بررسی قرار می دهد.

1: قول لغوی. 2: اجماع منقول به خبر واحد. 3: شهرت در فتوا. 4: خبر واحد غیر محفوف به قرینه.

و لذا از این به بعد بحث ما صغروی است و ما صغرای حجج را بحث می کنیم و انگاره ما انفتاح است.

مرحوم آخوند یک مقدمه ی فاخر را مطرح می کند و بعد از طریق این مقدمه وارد بحث حجیت یا عدم حجیت قول لغوی می شود.

ایشان در مقدمه می فرماید: قد عرفت که ظاهر حجت است این ظهور، گاهی از طریق یقین برای ما می رسد مثل اینکه متکلمی با مخاطبینش صحبت می کند و مخاطبین بدون واسطه سخنان را می شنوند (ولذا مخاطبین یقین به صدور این کلمات دارند و احتمال قرینه را نمی دهند) مثال در نصوص دینی ما: جایی که انسان خودش در محضر امام باشد یا ظهورات قرآن... در مورد این قسم بحثی نیست؛ اما برخی مواقع ظهور از طریق یقین نمی رسد مثل اینکه انسان کلامی برایش برسد و اتفاقاً ظهور در مراد هم دارد اما احتمال می دهد قرینه ای همراه کلام بوده که افتاده است مثل روایاتی که از طریق معصومین صادر شده و توسط روایت به دست ما رسیده است... اما ما احتمال قرینه می دهیم و می گوئیم چه بسا قرینه ای بوده است که افتاده است.

ادامه کلام مرحوم آخوند: در جایی که ما احتمال وجود قرینه می دهیم آیا ما مستقیماً اصل عدم قرینه جاری می کنیم بعد

اصل ظهور یا نه مستقیماً اصل ظهور جاری می کنیم؟ مرحوم شیخ انصاری می فرماید: اصل عدم قرینه جاری می شود اما

مرحوم آخوند می فرماید مستقیماً اصل ظهور جاری کنید.

اما صورت سوم: احتمال وجود قرینه مانع انعقاد ظهور نیست بلکه قرینیت موجود مانع است مثل اینکه زراره روایتی را نقل می کند و این روایت ظاهر در مراد است و زراره یک دفعه گوید امام کلام دیگری را فرمود که من یادم نیست؛ در اینجا ما احتمال می دهیم که اگر بقیه روایت را می دیدیم از روایت چنین برداشتی نمی کردیم چرا که ما معتقدیم سیاق ظهور ساز یا ظهور شکن است.

استاد علیدوست: سه صورت مطرح شد و یک فرض دیگر باقی ماند و صورت چهارم اینکه کلامی صادر شده و ظهوری برای

آن منعقد نشده است مثل اینکه واژه ای به کار رفته، که موضوع له آن معلوم نیست امام فرمود (فتیمموا صعیداً طیباً) و ما نمی دانیم مراد از صعید چیست؟! در اینجا شک در موضوع له یا متفاهم عرفی است.
مقدمه کفایه تمام شد و فردا پاسخ این را مطرح می کنیم.
الحمد لله رب العالمین